

Original Article

The Necessity of a Bicameral System in Line with the Preservation of the Citizens' Individual and Social Rights in a Comparison With the Islamic Republic of Iran's Legislative System

Mohammad Reza Baharestan Far¹, Seyyed Mohammad Hashemi^{2*}, Ali Akbar Gorji Azandaryani³, Mohammad Reza Vizheh⁴

1. PhD Student in Public Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding author)

Email: seymohammadhashemi@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Public Law and Economic Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

4. Associate Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh University, Tehran, Iran.

Received: 7 Jan 2019 Accepted: 27 Nov 2020

Abstract

Objective and Background: Having a Bicameral System in Line With the Preservation of the Citizens' Individual and Social Rights is Amongst the System's Concerns in the Area of Public Rights. Since the Beginning of the Constitutional Movement, one of the Controversial Issues Being Still Debated by the Law Experts and Constitution Enactors is the Combination of the Parliament and the Existence of Unicameral and Bicameral Systems. The Goal of This Research Paper is the Elaboration of the Necessity and Importance of the Bi-Congressional System in Line With the Preservation of Citizenship Rights.

Study Findings: As for the Unicameral and Bicameral Systems, Legal and, in Some Cases, Internally Political Reasoning Has Been Offered Regarding the Superiority of Each. Many of the Legislative Systems Have Accepted the Proposition for the Parliament's Being Bicameral and Inserted it in Their Constitutions. This Important Task Should be Also Conducted in Iran, As Well, Because the First Congress Manifests Mobility and Innovation and Reflects the Will of the Public; Amongst Its Disadvantages is the Enactment of Raw Regulations in Some of the Cases Due to the Hastiness in Enacting Rules and Emotionally Facing Some of the Subjects. The Second Congress Embodies the Intellectuality, As Opposed to Hastiness, of the Elites in the Face of the General Public as Well as the Opinion of the Elders Versus the Opinion of the Youngsters.

Study Method: This Article has Been Prepared and Codified in an Analytical-Descriptive Form Based on Library Resources.

Conclusion: It is Eventually Concluded Based on the Investigations That the Islamic Republic of Iran's Constitution is in Need of a Bi-Pillar Congress and a Second Congress Based on the Necessities and Functions of This Institution. Despite the Negligence of This Issue, it Has to be Taken Into Account in Case of the Constitutional Reforms. And, the Second Congress Can More Than Before Take Steps Towards the Preservation of the Citizens' Individual and Social Rights by Relying on the Principle of Intellectuality. This Article Has Been Prepared and Codified in a Descriptive-Analytical Form Through the Use of Library Resources. Trustworthiness is the Principle that has Been Observed From the Beginning to the End of This Article; No Biased ideas Have Been Presented Herein and Ethical Principles and Honesty Have Been Also Observed.

Keywords: Second Congress; Parliament; Legislation; Individual and Social Rights; Citizenship Rights; Council of Guardians; Expediency Discernment Council

Please cite this article as: Baharestan Far M R, Hashemi S M, Gorji Azandaryani A A, The Necessity of a Bicameral System in Line With the Preservation of the Citizens' Individual and Social Rights in a Comparison with the Islamic Republic of Iran's Legislative System. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2018; 275-290.*

ضرورت نظام دو مجلسی در راستای حفظ حقوق فردی و اجتماعی شهروندان در تطبیق با نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران

محمد رضا بهارستان فر^۱، سید محمد هاشمی^{۲*}، علی اکبر گرجی ازندریانی^۳، محمدرضا ویژه^۴

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استاد گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: seymohammadhashemi@gmail.com

۳. دانشیار گروه حقوق عمومی و حقوق اقتصادی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۴. دانشیار گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۷ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۷

چکیده

زمینه و هدف: اهمیت نظام دو مجلسی در راستای حفظ حقوق فردی و اجتماعی شهروندان از جمله دغدغه‌های نظام در حوزه حقوق عمومی می‌باشد از آغاز جنبش نهضت قانون اساسی یکی از مسائل مورد اختلاف و بحث برانگیزی که بین صاحب نظران حقوق و واضعان قانون اساسی وجود داشته و هنوز وجود دارد. ترکیب پارلمان و وجود نظام‌های یک مجلسی و دو مجلسی است. هدف ما در این تحقیق تبیین لزوم اهمیت و ضرورت نظام دو مجلسی در جهت حفظ حقوق شهروندی می‌باشد.

یافته‌های تحقیق: در خصوص نظام تک مجلسی و نظام دومجلسی، استدلال‌های حقوقی و در مواردی باطناً سیاسی در خصوص برتری هر کدام ارائه شده است. بسیاری از نظام‌های قانون گذاری پیشنهاد دو مجلسی بودن پارلمان را پذیرفته و آن را در قوانین اساسی آوردند. و می‌طلبند که در ایران نیز این مهم صورت بپذیرد، زیرا مجلس اول نمودار تحرک و نوگرایی است و انعکاس دهنده اراده عام جامعه بوده و از معایب آن در مواردی تصویب قوانین خام به علت شتابزدگی در تصویب برخورد احساسی با بعضی موضوعات می‌باشد مجلس دوم مظهر تعقل در برابر شتابزدگی، نخبگان در برابر عوام و رای پیران در برابر جوانان می‌باشد.

روش تحقیق: این مقاله به صورت توصیفی تحلیلی، و به روش استناد از منابع کتابخانه‌ای تهیه و تدوین گردیده است.

نتیجه گیری: با مطالعات صورت پذیرفته نهایتاً به این نتیجه رسیدیم که نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران یک مجلس دو رکنی و نیاز به مجلس دوم بر اساس ضرورت‌ها و کارکردهای این نهاد دارد علی‌رغم بی‌توجهی نسبت به این مسأله در صورت اصلاحات قانون اساسی این موضوع باید لحاظ گردد. و مجلس دوم بیش از پیش می‌تواند با اتکا به اصل تعقل در راستای حفظ حقوق فردی و اجتماعی شهروندان گام بردارد. این مقاله به صورت توصیفی - تحلیلی، و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تهیه و تدوین گردیده است. و از ابتدا تا انتهای این مقاله، اصل امانت‌داری و بدون جانبداری و با تکیه بر اصول اخلاق و صداقت تهیه و تدوین گردیده است.

کلید واژگان: مجلس دوم؛ پارلمان؛ قانون گذاری؛ حقوق فردی و اجتماعی؛ حقوق شهروندی؛ شورای نگهبان؛ مجمع تشخیص مصلحت

نظام

مقدمه

موضوع تحقیق پیش رو: «ضرورت نظام دو مجلسی در راستای حفظ حقوق فردی و اجتماعی شهروندان در تطبیق با نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران» می‌باشد. با بررسی نظام‌های دو مجلسی به این نتیجه خواهیم رسید که خلأها و ضرورت‌های وجود برخی نهادها در نظام قانون‌گذاری ایران وجود دارد. در حالی که با وجود نظام دو مجلسی حقوق فردی و اجتماعی شهروندان بیشتر مد نظر این نظام می‌باشد. انگیزه اصلی از انتخاب این موضوع وجود برخی چالش‌های مطرح در نظام حقوقی ایران جهت پذیرش مجلس دوم بوده است به طوری که برخی نهادهای حاکمیتی از جمله شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام ضرورت وجود مجلس دوم را در حاله‌ای از ابهام فرو برده است. از این رو نیازمند آن هستیم که میان این چالش‌ها به ایراد نظریه علمی بپردازیم و در نهایت به این سؤال پاسخ دهیم که چه ضرورت‌هایی جهت وجود مجلس دوم در نظام تقنینی ایران وجود دارد؟ یا اینکه عملکرد مجلس دوم در کشورهای دو مجلسی چگونه می‌تواند در نظام قانون‌گذاری ایران توجیه شود؟ با این حال به نظر می‌رسد پاسخ اولیه به این سؤالات دربردارنده این نکته است که شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام صرفاً نهادهای نظارتی بوده و نظارت به‌عنوان یکی از عملکردهای مجلس دوم می‌باشد. این در حالی است که بسیاری از عملکردهای مجلس دوم در نظام قانون‌گذاری ایران مورد توجه قرار نگرفته است. نظام قانون‌گذاری ایران مبتنی بر یک مجلس می‌باشد این در حالی است که به نظر می‌رسد با توجه به کارکردهای نظام‌های دو مجلسی، سیستم قانون‌گذاری ایران با اصلاح قانون‌گذاری به نظام دو مجلسی تغییر پیدا کند. حجم کار بالای مجلس شورای اسلامی و عدم توجه به تمام وظایف قانون‌گذاری توسط این نهاد در نتیجه حجم فعالیت‌های گسترده این مجلس می‌باشد و بسیاری دیگر از ضرورت‌های مهم از جمله، حمایت از قانون اساسی، ارتقای کیفیت قانون‌گذاری و توجه به حقوق بشر و ... را می‌توان مبنا و ضرورت تأسیس مجلس دوم در نظام قانون‌گذاری ایران عنوان کرد. سازماندهی این مقاله به این شرح ذیل می‌باشد؛ به تعاریف و مفاهیم، ارکان مجلس

دوم، تاریخچه مجلس دوم در ایران، تحلیل جایگاه مجلس دوم در نظام‌های پارلمانی، کارکردهای مجلس دوم، توجیه مجلس دوم در اهمیت و اعتلای قانون در زندگی اجتماعی شهروندان در پایان نیز به نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

بررسی و مطالعه این موضوع بدان سبب اهمیت و ضرورت دارد که نهادهایی با ویژگی‌های خاص در چارچوب نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران وجود دارند که مستقیماً و عملاً در اعمال کارکردهای قوه مقننه دخالت و مشارکت مؤثر دارند، اما منطبق با نظام‌های دو مجلسی و مجلس دوم نیستند. برای نمونه جایگاه شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و تعامل آن دو با مجلس شورای اسلامی همچنان محل بحث و مناقشه است. وجود مجلس دوم در حقوق ایران به‌عنوان یک ضرورت مطرح است از طرف دیگر این ضرورت نیازمند بسترهایی جهت بسط و گسترش می‌باشد که در این تحقیق سعی می‌شود به این موارد اشاره شود. از طرف دیگر تبیین نهادهای موجود در حقوق ایران که می‌تواند وظیفه مجلس دوم را ایفا کند موجب تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد که خلأهای وظایف مجلس دوم در نظام حقوقی ایران اشاره شود.

هدف تحقیق

هدف اصلی تحقیق بررسی ضرورت یا عدم ضرورت وجود مجلس دوم در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران با بررسی جایگاه و کارکردهای مجلس دوم در نظام‌های دو مجلسی و تطابق آن با نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

تعاریف و مفاهیم

۱- نظام تقنینی

تقنین به معنای وضع کردن قانون و قانون‌گذاران می‌باشد (۱). تقنین مصدر باب تفعیل از ریشه قنن به معنای تشریح و قانون‌گذاری است. در فقه و حقوق تقنین به قانون‌گذاری و تشریح اعم از شرعی و نیز عرفی تقنین گفته می‌شود (۲).

مجلس دوم نبوده بلکه این مجلس اول است که در بسیاری از کشور اقدام به قانون‌گذاری می‌کند. مهم‌ترین ساختارهای حقوقی مجالس دوم، نقش آنها را در تدوین و وضع قانون نشان می‌دهد. این مجالس باید بتوانند قوانین را در عمل و نه فقط در تئوری، وضع کنند. وضع عملی قانون به مهارت‌های تخصصی، به خصوص توانایی فراهم ساختن ظرفیت قانونی، فنی و دانش سیاسی مفید، نیازمند است؛ به گونه‌ای که اگر قوانین هم خوب نوشته شوند و هم به درستی قصد و نیت از وضع آن قوانین مشخص شود. حال تصمیم به توسعه این مهارت‌ها، بار سیاسی دارد و ممکن است باعث مقاومت قوه مجریه شود (۷).

۲- ارکان سیاسی

منظور از ارکان سیاسی، ارکانی است که در تشکیل نمایندگان دو مجلس تأثیرگذار می‌باشد و یا شاید بتوان گفت منظور از ارکان سیاسی، نقش احزاب در تشکیل، اداره و ادامه حیات مجلس دوم می‌باشد. به‌عنوان مثال حزب سیاسی در نظام حقوقی آمریکا دستگاهی است که هدف اصلی و عمده‌اش، سازماندهی و تهیه موجبات انتخاب شدن آن گروه از داوطلبان نمایندگی مجلس است که آرا و عقایدشان با آرمان‌های حزب هماهنگ است (۷).

تاریخچه مجلس دوم در ایران

در قرون و اعصار گذشته تفکر حاکم بر نظام سلطه در ایران ضمن تأکید بر نگاه کلاسیک و جدال حاکمان با مدرنیته، همیشه حجابی در مقابل مردم‌سالاری بوده است. هیچ‌وقت نهادی تحت عنوان سنا یا با ساختاری مشابه نظیر آنچه که در روم باستان حاکم بوده، در ایران جلوه‌ای نداشته و نمود پیدا نکرده است. فقط موقع حکومت اشکانیان مجالسی با نام مهستان موجود بوده که آن هم هرگز در نظام سیاسی ایران باستان دوام و قوامی پیدا نکرد که یکی از دلایل مهم آن را می‌توان وجود تفکر خودکامگی در ایران آن روزها دانست. هرچه قدر در یونان و روم باستان تفکر مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی ریشه دواند و نهادینه گردید همان قدر ایده خود محوری و استبداد بر سرنوشت ایرانیان چنگ انداخته و عرض اندام نمود.

در تعریف نظام تقنینی آمده است: «در علم حقوق و علوم سیاسی دستگاه تقنینی و یا قوه مقننه را مجلس قانون‌گذاری یا پارلمان نمایندگان می‌نامند. کلیه مقرراتی که قوه مقننه به صورت عام برای اجرا وضع می‌کند، قانون نامیده می‌شود که قوه مقننه وظیفه دارد در موضوعات عام به وضع این قوانین بپردازد و در امور خصوصی اشخاص معین به‌عنوان شخص خاص وضع قانون نمی‌کند» (۳).

۲- نظام یک مجلسی و دو مجلسی

پارلمان اگر از یک مجلس تشکیل شود سیستم قانون‌گذاری کشور را سیستم یک مجلسی^۱ گویند و اگر از دو مجلس تشکیل شود سیستم قانون‌گذاری را سیستم دو مجلسی^۲ می‌نامند (۴).

نهاد تقنینی یا نظام قانون‌گذاری ممکن است از یک یا دو مجلس تشکیل شود، ولی تشکیل مجلس سوم وجود خارجی ندارد به عبارت دیگر بسیاری از کشورها صاحب نهاد قانون‌گذاری و تقنینی یک مجلسی یا دو مجلسی هستند (۵).

ارکان مجلس دوم

ارکان مجلس دوم به نوعی تعیین‌کننده ساختار شکلی و ماهوی این‌گونه مجالس است. توجیه هر ساختاری براساس هدفی است که از تشکیل آن می‌توان فهمید. دلایل مختلفی می‌تواند در رابطه با تک مجلسی یا دو مجلسی بودن پارلمان در هر کشوری تأثیرگذار باشد، ولی باید اذعان کرد که منشاء ایجاد نظام‌های دو مجلسی براساس تعیین قانون اساسی می‌باشد. به طور کلی می‌توان دلایل ایجاد مجلس دوم را در سه دلیل خلاصه کرد:

۱- مشروعیت تاریخی مجلس اعیان

۲- بزرگی مساحت کشور

۳- نظام سیاسی فدرال (۷).

۱- ارکان تقنینی

مهم‌ترین تأثیری که مجلس دوم در نظام قانون‌گذاری دارد، وضع قانون است، هرچند این وظیفه همیشه در اختیار

^۱ . Systeme Unicameralism.

^۲ . Systeme Bicameralism.

کمک فراوانی کرده و در این رابطه حمایت‌های بی‌قید و شرطی را انجام می‌دهند که این خود باعث تصویب برخی قوانین سطحی و ضعیف می‌شود (۱۱). در اکثر نظام‌های دو مجلسی قدرت هر دو مجلس یکسان نبوده بلکه مجلس نمایندگان که با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شوند، از قدرت بیشتری نسبت به مجلس اعیان یا سنا برخوردار می‌باشند.

یکی از ضعف‌های موجود در رابطه با نظام‌های دو مجلسی آن است که پارلمان بیشترین وقت خود را جهت ارتباط و نظارت بر دولت و تغییر هیأت وزیران به کار می‌گیرد و از نقش تخصصی خود در رابطه با تصویب قوانین تخصصی دور می‌شود. نمونه بارز این امر در جمهوری‌های سوم و چهارم فرانسه و نیز در ایتالیا پیش آمده است. در نظام‌های پارلمانی که مجالس دوم دارند، بیشترین نقش را مجلس اول ایفا می‌کند و مجلس دوم نقش چندانی ندارد. عدم استقلال مجلس قانون‌گذاری از مجریه تا حدی است که در برخی از نظام‌های پارلمانی این‌چنین مقرر شده است که در رابطه با اختلاف میان مجلس اول و دوم کابینه رفع اختلاف خواهد کرد، هرچند در نظام‌های دو مجلسی در سیستم پارلمانی عمدتاً تعیین‌کننده قانون نهایی مجلس نمایندگان می‌شد (۱۱).

کارکردهای مجلس دوم

دلایل چندی باعث شده است که نظام‌های سیاسی به سمت دو مجلسی شدن پیش بروند بسیاری از این علل را می‌توان در ریشه‌های سیاسی این کشورها که از زمان قبل وجود داشته مشاهده کرد. با این حال این امر نه تنها یک مسأله تاریخی نبوده بلکه یک مسأله استراتژیک می‌باشد به این صورت که حکومت‌ها جهت تصویب قوانین خود راهکارهایی را انتخاب می‌کنند که در این راهکارها ممکن است برخی محدودیت‌ها را برای جامعه و دخالت آن‌ها قائل شوند و یا اینکه با تعابیر مناسبی دخالت طیف‌های مختلف جامعه اعم از افراد و احزاب را در روند قانون‌گذاری دخالت دهند. در برخی کشورهایی که دارای مجلس دوم هستند می‌توان نقش احزاب را در روند قانون‌گذاری در مجلس دوم را

ایده‌ای که اموال و نفوس مردم را به سمت پادشاهان سپرده و قدرت پادشاه را در تمامی امور لایتناهی و نامحدود می‌دانست. تمرکز اجراء، قانون‌گذاری و قضاوت در یک فرد قدرتی به وی اعطا می‌کرد که جان و مال اتباع کشور را در حکم اموال شخصی‌اش دانسته و تفاوتی میان اموال و عایدات دولتی و عایدات شخصی او باقی نمی‌گذاشت.

در مقابل حقوق و اختیارات نامحدودی که پادشاه داشت، تکالیف او بسیار محدود بود. غیر از پادشاه، بقیه مقامات کشوری، سلسله نوکران را تشکیل می‌دادند، که هر کدام از آنها، حتی بالاترین آنها مادام که از اعتماد شاه برخوردار بودند به طور محدود اختیاراتی داشتند و به محض اراده شاه مقام و بعضاً اموال و حتی جان خود را از دست می‌دادند (۸).

بنابراین شاکله حکومت در ایران شکلی تمرکز گونه داشت که بیش از هر چیز استیلای تفکر استبداد در آن چشم‌نوازی می‌کند.

البته در این سرزمین بزرگ که کشوری با اقوام گوناگون را شامل می‌شد از دیدگاه تاریخی و سیاسی برابر اصول ایران شهری، شخص شاه، سبب‌ساز وحدت در عین کثرت آن اقوام بود و با این قدرت فزاینده شاه همواره در ایران خدای بر روی زمین تلقی می‌گشت (۹).

جایگاه مجلس دوم در نظام‌های پارلمانی

یکی از مسائل مهم و حائز اهمیت در نظام پارلمانی این است که امکان تفوق یک حزب بر پارلمان، وجود دارد. که در نتیجه منجر به در اختیارگیری قوه مجریه و قوه مقننه می‌شود. در این نوع نظام حکومتی پارلمان می‌تواند نخست وزیر و کابینه او را انتخاب کند، هرچند احزاب موجود در پارلمان نیز ممکن است از یک شخص یا حزب به‌عنوان تعیین نخست‌وزیر و یا کابینه حمایت کند که این پشتیبانی در رابطه با رأی مجلس به لایحه‌های پیشنهادی دولت نمود پیدا می‌کند (۱۱).

حاکمیت یک حزب در قوه مجریه و مقننه در روند قانون‌گذاری تأثیر به‌سزایی دارد. به طوری که اشخاص طرفدار یک حزب واحد به قوه مجریه در تصویب قوانین پیشنهادی

به خوبی مشاهده کرد. با این حال به نظر می‌رسد برخی علل علمی و سیاسی را می‌توان جهت وجود مجلس دوم به طور کلی ذکر کرد، هرچند بسیاری از این دلایل گفته شده نیز خالی از نقد و انتقاد نبوده و مصون از تعرض نیستند با این حال در این مبحث به بررسی جریان‌های فکری حاکم بر این نظام خواهیم پرداخت.

۱- وضع قوانین تخصصی و باکیفیت

وضع قوانین تخصصی و باکیفیت را می‌توان یکی از آثار وجود مجلس دوم دانست با این حال ممکن است این سؤال پیش آید که چرا با وجود این نظریه، وجود مجالس دوم در برخی از کشورها با مشکلاتی مواجه است در این رابطه باید گفت که وجود مجلس دوم خالی از انتقاد نیست به طوری که به نظر می‌رسد وجود مجالس دوم باعث می‌شود که روند تصویب قوانین با کندی پیش برود از طرف دیگر اگر مجلس دوم قدرت انسداد مجلس اول را داشته باشد این امر موجب می‌شود که فرایند تصویب قوانین با مشکلاتی مواجه شود. از طرف دیگر رشد و تسریع مسائل اجتماعی موجب می‌شود که مصوبات مجلس قانون‌گذاری با نیازهای روز هماهنگ نبوده بلکه مجلس قانون‌گذاری با تأخیر نسبت به مسائل اجتماعی روز اظهار نظر کرده و نسبت به آن اقدام به وضع قانون کنند. با این حال این انتقادات را نمی‌توان به طور کامل پذیرفت زیرا وضع قوانین عجولانه هم ممکن است برخی مشکلات دیگر را برای جامعه ایجاد کند از این‌رو ترکیب مجالس دوم عموماً از اشخاصی است که دارای سن و سال بیشتری نسبت به مجلس اول هستند از این‌رو می‌توان امیدوار بود که با وجود مجلس دوم که نمایندگان با تجربه‌ای در آن فعالیت می‌کنند دیگر نمی‌توان شاهد تصویب قوانین شتابزده بود (۱۲).

۲- جلوگیری از استبداد مجلس نخست

تمرکز قدرت هم‌شده در طول تاریخ مخرب بوده است به طوری که نتیجه تمرکز قدرت در دست عده‌ای خاص یا نهادهای مشخص، موجب ایجاد دیکتاتوری شده است. حتی مجلس را نمی‌توان از این اندیشه مصون دانست زیرا ممکن است اکثریتی که در مجلس گردهم جمع می‌شوند، موجب ایجاد تفکری خاص در جامعه بشوند و در تدوین قوانین با

جهت‌گیری‌های مشخص تأثیرگذار باشند از این‌رو وجود نهادی همانند مجلس دوم ممکن است تا حدود بسیاری از این استبداد در تصویب قانون جلوگیری کرده و با نقش فعال و منفعلی که دارد، نظارت‌های لازم و ضروری را جهت کاستن از دیکتاتوری اکثریت به کار برد. برخی اساتید معتقدند که نظام‌های تک مجلسی دارای استعداد سلطه و برتری قوه مقننه نسبت به قوه مجریه و قضاییه هست، به طوری که در برخی شرایط خود نظام تک مجلسی نشانی از استبداد می‌باشد. از این‌رو جهت گستردگی قدرت در میان قوای سه‌گانه نیازمند جلوگیری از استبداد قوه مقننه هستیم که این امر در بسیاری از نظام‌های حقوقی با مجلس دوم محقق می‌شود مجلس دوم به‌عنوان ابزاری جهت تعدیل قدرت قوه مقننه به کار می‌رود (۱۲).

۳- نظارت مداوم بر روند تقنین

وجود نهادهایی جهت نظارت بر قانون‌گذاری از جمله ضروریات هر نظام آزاد و مستقل می‌باشد زیرا نهادهای نظارتی می‌توانند از تمرکز قدرت و استبداد در قانون‌گذاری جلوگیری کنند. در مجالس دوم چه منفعل یا انفعالی، وظیفه نظارت هم‌شده بر عهده این مجلس می‌باشد. به عبارت دیگر یکی از ضروریات وجود مجلس دوم را می‌توان نظارت بر مجلس اول نام برد.

نظارت مداوم بر روند تقنین که با ابزارهای مختلفی از قبیل وتو کردن، به تأخیر انداختن و اصلاح کردن صورت می‌گیرد می‌تواند از تصویب قوانین مخالف با نفع عمومی جلوگیری کند. از این‌رو پیامد نظارت مداوم بر روند تقنینی می‌تواند رسالت نظام تقنینی را به طور کامل نشان دهد. قوای تقنینی باید از تمام امکانات خود جهت تصویب قوانین کارآمد، به روز و تخصصی استفاده کند. در این رابطه نیازمند نظارت‌هایی است که این اطمینان را به جامعه بدهد که نظام قانون‌گذاری در مسیر درستی گام برمی‌دارد؛ پس مجلس دوم یکی از ابزارهایی است که از طریق آن می‌توان نظارت‌های لازم را نسبت به مجلس اول به دست آورد.

۴- تأمین بهتر حقوق بشر

حقوق بشر از زمره حقوقی است که هر کسی از آن حیث که انسان است از آن برخوردار می‌شود، همه انسان‌ها در این

اساسی نیز در تأمین حقوق بشر باشیم باید به مکانیسم‌های اجراکننده این نهاد نیز توجه کرد که مجلس دوم می‌تواند به‌عنوان رکن اجرایی و نظارتی در این رابطه عمل کند، اما حال باید دید این حمایت از حقوق بشر در سیستم دو مجلسی چگونه انجام می‌شود و چطور عمل می‌کند. حفاظت از حقوق بشر اغلب از طریق ایجاد نهادهایی خاص در مجلس برای رفع نگرانی‌های حقوق بشر می‌باشد. نهادهایی که در مجالس بالاتر وجود دارند، بسیار متنوع، با احکام، وظایف و اختیارات مختلف هستند. مهم‌ترین این نهادها کمیته‌های حقوق بشری است که در مجلس دوم و یا با همکاری آن وجود دارد و اختیارات گسترده‌ای در مفهوم آنچه ما آن را حمایت از حقوق بشر دانسته‌ایم، دارا می‌باشد.

۱-۴- سنجش موشکافانه قوانین و انجام تحقیق:

برای بررسی قوانین یا مفاد تعهدات حقوق بشری دولت، به نظر می‌رسد کارکرد را همین کمیته‌های مشترک ایفا نمایند. به طور مثال در استرالیا، کمیته‌های مجلس سنا، ۲ کمیته دائمی برای بررسی لوایح، مقررات و قوانین دارد. هر دو کمیته به صورت حزبی عمل می‌کند، از مشاوران خبره حقوق کمک می‌گیرد و گزارشات نقض حقوق بشر در لوایح و قوانین را ارائه می‌دهد. کمیته مقررات و احکام می‌تواند به وسیله مجلس سنا، قانون تفویض شده‌ای که منطبق با ملاک‌های حقوق بشری نیست را رد کند و کمیته بررسی لوایح به مجلس سنا خبر می‌دهد که نقض قانون رخ داده است. این امر در حالی است که مجلس پایین‌تر چنین کمیته‌هایی را ندارد. مجلس اعیان می‌تواند درباره مسائل مربوط به نگرانی‌های حقوق بشر داخلی و مسائل مربوط به سیاست خارجی، پیشنهادی در رابطه با موضع مجلس در مورد انجام تحقیق به کمیته مشترک بدهد. چنین اختیاراتی در لهستان و رومانی هم وجود دارد.

۲-۴- ترویج قانون: مجلس اعیان می‌تواند وظیفه ترویج

قوانین را برای مؤثرتر کردن تعهدات حقوق بشری بر عهده بگیرد. این طرح‌های قانونی را کمیته‌ای از مجلس لردها در انگلستان ارائه می‌کنند، که ممکن است توصیه‌هایی برای قانون‌گذاری داشته باشد. کمیته‌های از این نوع در مجالس دوم دیگر کشورها مثل ژاپن، سوئیس و جمهوری چک وجود دارد.

حقوق سهیم هستند، صرف نظر از حقوق و تکالیفی که یک فرد ممکن است به‌عنوان شهروند، عضو خانواده، کارگر یا عضو سازمان، یا انجمن خصوصی و عمومی داشته باشد. اگر همه انسان‌ها تنها به این دلیل که انسان تلقی می‌شوند از این حقوق برخوردارند، حقوق بشر نسبت به همه بالسویه است و به این دلیل که انسان بودن را نمی‌توان انکار کرد، از بین برد یا سلب کرد. بالمآل حقوق انسان نیز غیرقابل سلب است. در این معنا حتی خون آشام‌ترین شکنجه‌گران و تحقیر شده‌ترین قربانیان نیز انسان هستند، هرچند که در عمل همه افراد از همه حقوق انسانی خود بهره‌مند نمی‌شوند، مع‌الوصف همه انسان‌ها حقوق انسانی واحدی دارند و از این حقوق به گونه‌ای برابر و غیر قابل سلب برخوردار هستند (۱۳). حقوق بشر مجموعه‌ای غیر قابل سلب از حق‌ها را تشکیل می‌دهد که دولت و اجتماع در شرایط و اوضاع و احوال عادی موظف به رعایت و اجرای آن هستند. چون حقوق ذاتی افراد، در بادی امر بر منافع و مطلوب‌های اجتماع و دولت اولویت دارد، حقوق بشر حد شمول مشروعیت اقدام دولت را محدود می‌کند، هرچند این اولویت‌ها به ندرت طبقه‌بندی شده است، اما حقوق بشر معمولاً سایر ادعاهای مشروع دولت و اجتماع را بر نمی‌تابد (۱۴). از منظر حقوق بشر، مشروعیت هر دولتی تابعی از میزان رعایت، حمایت و تحقق حقوق بشر است که حقوق شهروندان خود را معیار مشترک دستیابی همه ملل اعلام می‌کند، اعلامیه وین به طور صریح و روشن در نخستین پاراگراف برنامه عمل خود اشعار می‌دارد: «حقوق بشر و آزادی‌های اساسی حق مسلم و طبیعی همه انسان‌هاست و حمایت و تقویت آنها نخستین مسؤولیت حکومت‌ها و دولت می‌باشد». در تمام مناطق جهان در همه سیستم‌ها، برای تنظیم روابط افراد، دولت‌ها و اجتماع، در قسمت اعظم تاریخ، این هنجارها وجود داشته است. با وجود این جامعه بین‌المللی معاصر در این مقام برآمده که حقوق بشر را در محتمل‌ترین شرایط آن مورد پشتیبانی قرار دهد (۱۳).

در کشورهایی که با نظام دو مجلسی از آنها یاد می‌شود، مجلس بالاتر حافظ قانون اساسی است و این امر در حمایت از حقوق بشر نیز مؤثر است. حتی اگر قائل به داوری قانون

۳-۴- ارتباط با دفاتر و نهادهای حقوق بشری: از

جمله کارکردهای مهم مجلس دوم تقویت نمودن نهادهای حقوق بشری می‌باشد امروزه بسیاری از متفکران لازمه تبدیل مشارکت توده‌ای به مشارکت فعال و سازمان‌یافته را در تأسیس احزاب به معنای واقعی کلمه می‌دانند و آن را مرحله تکمیلی از مراحل انقلاب اسلامی به شمار می‌آورند که چنین امری در جهت تضمین تداوم و تعادل نظام ضروری است. و با نظام دو مجلسی این امکان بیشتر میسر می‌گردد اکنون که کشور در فرایند فراز و نشیب‌های نوسازی، توسعه و بحران‌های آن قرار دارد تقاضای مشارکت سیاسی نیز رو به افزایش است و بدیهی است که شاخصه اصلی توسعه سیاسی به مشارکت سیاسی می‌باشد. مشارکتی که خود برخورد از ابزارهای کارآمد و سازمان‌های نهادمند باشد. نگاهی اجمالی به نظام سیاسی کشورمان بیانگر این نکته می‌باشد که احزاب به معنای حقیقی کلمه شکل نگرفته‌اند بلکه گروه‌های سیاسی به نام حزب در ایام انتخابات موقتاً فعالیت کرده و بعد از آن هیچ رابطه دقیق و تعریف شده‌ای میان نمایندگان حزبی و خود حزب وجود ندارد بنابراین اگر آسیب‌ها و موانع تحزب برطرف شده و حزب به معنی صحیح کلمه شکل بگیرد تأثیر به‌سزایی در کاهش خطاهای انتخاباتی داشته و مسیر توسعه سیاسی را هموارتر خواهد نمود. بنابراین نظام دو مجلسی در این زمینه می‌تواند مهم‌ترین نقش خود که همانا ارتباط با نهادهای حقوق بشری است را به خوبی ایفا نماید (۱۵).

برخی از کشورها، علاوه بر نهادهای ملی مانند کمیسیون حقوق بشر، در قانون اساسی یک نهاد پارلمانی خاص جهت حفاظت از حقوق بشر اندیشیده شده است. برای مثال کمیسیون حقوق شهروندی در لهستان، اعضای این نهادها می‌توانند توسط مجلس نامزد یا انتخاب شوند. در لهستان کمیسیون حقوق شهروندی توسط مجلس پایین‌تر با رضایت مجلس سنا منصوب می‌شود. از نهادهایی که مرتبط با این دفاتر هستند، خواسته می‌شود تا گزارش سالانه خود را به مجلس بدهند.

در آفریقای جنوبی تعدادی نهاد مستقل در قانون اساسی به منظور ترویج دموکراسی بر اساس قانون اساسی وجود دارد.

این نهادها عبارتند از دو نهاد با مأموریت خاص حقوق بشری: دفتر حفاظت عمومی و کمیسیون حقوق بشر. پس از آن دو کمیته مشترک در مجلس تحت قانون اساسی وجود دارند، که مسؤول برقراری ارتباط با آن نهادها در اجرای سیاست حقوق بشر هستند (۱۶). وجود مجلس به‌عنوان یک نهاد قانون‌گذاری، ابزاری جهت تأمین و تضمین حقوق بشر. زیرا قواعد و قوانینی که در پرتو قانون اساسی و قواعد حقه کشور تصویب می‌شوند در نهایت می‌توانند منجر به تأمین حقوق اکثریت جامعه شوند این در حالی است که یک نظام قانون‌گذاری بی‌طرف که سعی در تأمین اهداف حقوق بشر و دموکراسی باشد اقدام به وضع قانون کند در غیر این صورت مجلس تبدیل به مکانی می‌شود که اقدام به وضع مقررات و قوانینی می‌کند که در جهت تأمین حقوق اقلیت خاصی باشند که این امر خود به نوعی نقض حقوق بشر نیز محسوب می‌شود.

۵- کاستن از حجم کار مجلس اول

برخی در رابطه با حجم کار مجلس اول این‌گونه بیان داشته‌اند که: «یکی از مشکلات مهم و مشترک همه پارلمان‌ها، مسأله کمبود وقت و حجم کار زیاد نمایندگان است. این مشکل درخصوص نمایندگان مجلس اول که منتخب مستقیم مردم‌اند و در مقابل آنها در حوزه‌های انتخابیه خود مسؤول و پاسخ‌گو هستند شدیدتر است. این دسته از نمایندگان موظف‌اند از یک سو به حوزه‌های انتخابیه سرکشی کنند و از سوی دیگر پذیرای کسانی باشند که برای دیدار و گفتگو در محل پارلمان حاضر می‌شوند. همچنین شرکت در جلسات مختلف با اهداف گوناگون و ارتباط با مقامات ارشد دولتی و دستگاه‌های اجرایی چه در مرکز و چه در حوزه‌های انتخابیه و تماس‌های خواسته یا ناخواسته با رسانه‌های جمعی و از این قبیل موجب می‌شود که نمایندگان همواره با کمبود وقت و افزایش بار کاری روبه‌رو باشند» (۱۲).

۶- نظارت بر قوه مجریه

در نظام‌های ریاستی از آنجا که استقلال میان قوا به طور کامل وجود دارد، نظارت قوه مقننه بر فعالیت‌های قوه مجریه ایجاد اشکال نمی‌کند بلکه این دو قوه برای اثبات حقانیت خود در پی فعالیت صحیح و قانونی هستند، ولی در نظام‌های

قضایی برای مجلس دوم در نظر گرفته شده است به این صورت که در صورت تخلفات قانونی برخی مقامات مهم، مجلس نمایندگان کمیسیونی تشکیل داده و این کمیسیون گزارشی تهیه می‌کند که این گزارش در اختیار مجلس سنا جهت محاکمه شخص متخلف قرار می‌گیرد. این امر حتی در کشور فرانسه نیز سابقه داشته است به طوری که پارلمان در مقطعی از تاریخ دارای اختیارات قضایی بود (۱۷).

در نظام قانون‌گذاری سنا در ایران، این اختیار برای سنا در نظر گرفته نشده بود این در حالی است که نقش مسؤولیت جزایی وزرا در برابر پارلمان برای این اشخاص در نظر گرفته شده بود، ولی هیچ نقش خاصی جهت محاکمه این افراد به هیچ‌یک از دو مجلس واگذار نشده بود. اصل ۶۵ قانون اساسی مشروطه مقرر می‌داشت: «مجلس شورای ملی یا سنا می‌تواند وزراء را تحت مؤاخذه و محاکمه در آورند.» در تکمیل این نظریه می‌توان به اصل ۶۹ این قانون نیز اشاره داشت که بیان می‌داشت: «مجلس شورای ملی یا مجلس سنا، تقصیر وزرا را در محضر دیون خانه مزبور با حضور تمام اعضای مجلس محاکمات دایره خود محاکمه خواهد کرد ...» در تبصره این اصل نیز آمده است: «مادامی که هیأت تمیز (دیوان عالی کشور) تشکیل نیافته است، هیأتی منتخب از اعضای مجلسین به عده متساوی، نایب محمکه تمیز خواهند شد».

به این صورت تکلیف وزرا متخلف مشخص می‌شد که حق تعقیب آن به پارلمان واگذار شده بود، ولی حق محاکمه در حوزه وظایف دیوان تمیز بود (۱۷).

۸- نقش مجلس دوم در تحقق دولت رفاه

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مجلس دوم می‌تواند تأمین و تضمین تحقق دولت رفاه باشد. «هرچند دولت رفاه یکی از مفاهیم پیچیده در نظام حقوق سیاسی می‌باشد، با این حال جهت تشریح این نهاد اشاره به مقدمه‌ای در این رابطه ضروری است. باید گفت رفاه در ساده‌ترین شکل خود به معنای شادی، آبادانی و بهروزی به معنای اعم می‌باشد. رفاه صرفاً متضمن بقاء جسمانی نیست بلکه مستلزم میزانی از سلامتی و خرسندی هم هست. براساس بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ هر شخص حق بر استاندارد مناسب زندگی برای

پارلمانی که مجلس دولت را تعیین می‌کند به طور ناخواسته موازنه قدرت پیش می‌آید به این صورت که مجلس جهت حفظ دولت، ایرادات و تخلفات دولت را مخفی داشته و به نوعی سرپوش به فعالیت‌های تخلف‌آمیز دولت می‌گذارد این مسأله ممکن است بروز فسادهای مالی و اداری فراوانی در نظام‌های پارلمانی شود. لذا وجود نهادی به جز مجلس جهت نظارت بر فعالیت دولت لازم و ضروری است. یکی از اساتید این مسأله را به خوبی تشریح کرده است: «در نظام‌های پارلمانی قوه مجریه به شدت به حزب اکثریت حاکم بر مجلس متکی است و به رأی اعتماد آنان برای بقا نیازمند است. از سوی دیگر دولت نیز حق دارد مجلس را منحل کند و به این ترتیب نوعی موازنه در رابطه میان قوه مقننه و مجریه شکل می‌گیرد. این موازنه اغلب موجب کاهش قدرت نظارتی پارلمان می‌شود و نمایندگان را تشویق می‌کند که بر بسیاری از رفتارهای ناصواب دولت سرپوش گذارند، اما چنین مناسبات و موازنه‌ای بیشتر میان مجالس اول و دولت برقرار است نه مجلس دوم. بنابراین مجلس دوم ملاحظات مجلس اول را در مقابل قوه مجریه ندارد و می‌تواند فارغ از محدودیت‌های حزبی بر عملکرد آن نظارت کند. همچنین دولت در چنین نظام‌هایی اختیار انحلال مجالس دوم را ندارد. بنابراین وضعیت مجلس دوم در مقابل دولت مشابه وضعیت مجالس اول در مقابل قوه مجریه در نظام‌های ریاستی است. این امر باعث می‌شود که در نظام‌های پارلمانی، مجالس دوم در مقام مقایسه نسبت به مجالس اول از استقلال بیشتری در مقابل دولت برخوردار باشند و همین امر می‌تواند موجب تقویت کارکرد نظارتی پارلمان از مجرای مجالس دوم شود» (۱۲).

۷- مجلس دوم در نقش دادگاه عالی

در نظام سیاسی برخی کشورها، مجلس دوم علاوه بر فعالیت‌ها و وظایف مختلفی که دارد ممکن است در نقش یک دادگاه عالی نیز ظاهر شود این مسأله در حقوق انگلستان نمود بیشتری دارد. به‌عنوان مثال اگر در این کشور، وزیری مرتکب عمل خلاف قانونی شود، مجلس اول مجرمیت او را بررسی کرده و مجلس لردها یا مجلس اعیان به جرائم او رسیدگی کرده و محاکمه می‌کند. حتی در آمریکا نیز نقش مرجع عالی

سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش دارد» (۱۸). لازم است کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، فایده حق بر یک استاندارد مناسب زندگی را از نقطه نظر اینکه چگونه حمایت عنوان شده در میثاق را توسعه می‌دهد، تبیین نماید. یک احتمال قوی برای توجیه این است که این امر در صلاحیت کمیته است تا این مفهوم را حداقل به‌عنوان دربردارنده نیازهای اساسی اشخاص تفسیر کند. کنفرانس جهانی اشتغال سازمان بین‌المللی کار (۱۹۷۶) نیازهای اساسی را به این صورت تعریف می‌کند:

«اول، این نیازها شامل برخی احتیاجات یک خانواده برای مصرف شخصی است: غذا، اقامتگاه و لباس مناسب و همین طور برخی اسباب و لوازم منزل، دوم، آنها شامل خدمات اساسی که توسط جامعه و برای جامعه به طور کلی مقرر می‌شود، می‌باشد. همانند آب آشامیدنی سالم، بهداشت، حمل و نقل عمومی و ایمنی، تسهیلات آموزشی و فرهنگی» (۱۹).

برخی از این دغدغه‌ها (همانند غذا، لباس و مسکن) تا کنون به صورت خاص، توسط خود میثاق بر شمرده شده است. با وجود این، مصادیق نیازهای پایه، مواردی که به آسانی در نظام حقوق بشر تصریح نشده‌اند همانند آب آشامیدنی سالم، حمل و نقل عمومی و بهداشت، را نیز دربر می‌گیرد (۱۹).

«بهره‌مندی از حق‌های اجتماعی همچنین به بهره‌مندی از برخی حقوق اقتصادی نیاز دارد. این حق‌ها شامل حق بر اموال (اعلامیه جهانی حقوق بشر ماده ۱۷) حق بر کار (اعلامیه جهانی حقوق بشر ماده ۲۳، میثاق ماده ۶) و حق بر تأمین اجتماعی (اعلامیه ماده ۲۵ و ۲۲ میثاق ماده ۹ و کنوانسیون حقوق کودک ماده ۲۶) است. حقوق اقتصادی یک کارکرد دوگانه دارند. این امر به صورت واضح‌تر درخصوص حق بر اموال مطرح شده است. از طرف دیگر، این حق به‌عنوان یک مبنا برای استحقاق‌هایی که می‌تواند یک استاندارد مناسب زندگی را تضمین کند، عمل می‌کند. از طرف دیگر این حق مبنای استقلال و بنابراین مبنای آزادی است. دغدغه اولیه در خصوص اموال که به وسیله جان‌لاک و دیگران تصریح گردیده، در برابر نظم فئودالی عنوان شده است. جایی که کنترل بر زمین و دیگر منابع مبتنی بر سلسله مراتبی بوده است که

نابرابری اساسی و وابستگی‌ها را ایجاد می‌کند. بنابراین قابل فهم است که حق بر اموال یک عنصر اساسی در جستجوی طولی‌المدت اخیر برای آزادی و برابری شد. حق بر اموال در درک سنتی نمی‌تواند در مورد یک مبنای برابری برای همه قابل بهره‌برداری باشد. حق بر اموال بنابراین، بایستی حداقل با دو حق دیگر تکمیل گردد: حق بر کار که می‌تواند یک درآمدی که به نوبه خود یک استاندارد مناسب زندگی را تضمین می‌کند، تأمین کند و حق بر تأمین اجتماعی که می‌تواند (و جایی که ضروری است به طور کامل جانشین شود) درآمد ناکافی ناشی از اموال و درآمد ناکافی ناشی از کار را تکمیل کند. ناکافی از جمله درخصوص بهره‌مندی از یک استاندارد مناسب زندگی است. همچنین حق بر کار، اگر کار به صورت آزاد توسط اشخاص مربوطه انتخاب شوند، یک مبنای استقلال است که درآمد کافی از آن حاصل می‌شود و مشروط بر اینکه کارگران بتوانند منافع خودشان را از طریق اتحادیه‌های تجاری آزاد حمایت کنند (ماده ۸ میثاق). حق بر تأمین یک استاندارد مناسب زندگی از طریق کار به خاطر بیکاری، پیری یا ناتوانی است» (۲۰).

اسپینگ - آندرسن^۱ (۱۹۹۰) بین سه نوع دولت رفاه قابل به تفکیک شده‌اند: دول رفاه لیبرال یا دولت‌های رفاه محدود (به گونه‌ای که در ایالات متحده آمریکا و استرالیا وجود دارد) که خواهان فقط تأمین اندکی بیش از حداقل مورد نیاز نیازمندان است دول رفاه محافظه کار یا صنفی (به گونه‌ای که در آلمان وجود دارد) که مجموعه جامعی از خدمات را تدارک می‌بیند که به شدت وابسته به اصل پرداخت مالیات می‌باشد و مزایا را به مشاغل ربط می‌دهد و نهایتاً دولت رفاه سوسیال دموکرات (به گونه‌ای که در سوئد و بریتانیا مرسوم است) که متضمن نظامی از مزایای همگانی بوده و مبتنی بر بیمه ملی و اشتغال کامل هستند. اولاً اگر اساساً در تعهدمان نسبت به حق‌ها جدی باشیم، بالضرورة باید حق‌های رفاهی را به رسمیت بشناسیم. اگر ضروریات یک زندگی فعال و همراه با سلامتی نباشد، هیچ‌کس نمی‌تواند به طور کامل صاحب یک حق شود یا آن را اعمال کند. استدلال دوم این است که

مالکیت به کار می‌بریم. بنابراین اگر در نتیجه یک نظام مالکیت عده زیادی بینوا و گرسنه باقی می‌مانند آن نظام مالکیت موجه و مقبول نیست. این استدلال را همچنین می‌توان برای پاسخ دادن به یک انتقاد رایج از حق‌های نسل دوم به کار برد. انتقاد مزبور این است که حق‌های نامبرده غیر عملی و پرهزینه‌اند (۲۱). و همچنین تأمین رفاه مخصوصاً در جوامع غربی، اغلب با عقاید خیریه و همین‌طور با حقارت بعدی دریافت‌کنندگان رفاه مرتبط بوده است. آگاهی دادن به مردم مبنی بر اینکه حق بر رفاه وجود دارد می‌تواند یک روش غالب آمدن بر آن حقارت‌ها باشد. اگر مردم خودشان را به‌عنوان صاحبان حق بر کالاهای رفاهی بدانند و نه نیازمندان به دریافت خیریه، این امر می‌تواند به بر طرف کردن احساس حقارت در دریافت رفاه کمک کند.

همان‌گونه که مشخص شد، یکی از اهداف متعالی در سیستم‌های حکومتی، تشکیل دولت رفاه و تحقق آن می‌باشد. در این رابطه مجلس دوم می‌تواند به بهترین نحو در شرایطی این هدف مهم را تحقق بخشد. بر اساس نظر برخی، مالیات‌ها منبع اصلی درآمدهای دولت رفاه را تشکیل می‌دهند. وجود یک مجلس دوم با ترکیب محافظه کارانه و لیبرال منجر به یک دولت رفاهی ضعیف و اصلاحات سیاسی ناچیز می‌شود و باعث کاهش مداخله دولت در بازار تأثیر لیبرال‌ها و تضمین اصلاحات در منافع سنتی می‌شود و در کل یک مجلس دوم قوی به‌عنوان نهاد منع‌کننده، چشم‌انداز تغییرات اساسی را محدود می‌کند. به ویژه اگر به طور قابل ملاحظه‌ای به جهت ترکیب با مجلس اول تفاوت داشته باشد و یک عامل قدرتمند برای بلوکه کردن اصلاح سیاست‌های اقتصادی و مالی است (۲۰).

به نظر می‌رسد این مسأله با چالش‌های جدی مواجه است. همان‌طور که سابقه نظام جمهوری اسلامی ایران نیز نشان می‌دهد، مداخله دولت در اقتصاد باید وضعیت تنظیم‌کننده داشته باشد نه حالت مداخله به عبارت دیگر دولت به‌عنوان یک تنظیم‌گر در نظام اقتصادی ایفای نقش می‌کند که اگر خود دولت بخواهد به نقش تصدی‌گری ادامه دهد، شاهد رکود در عرصه‌های مختلف خواهیم بود. از این رو می‌توان گفت که

نیازهای اجتماعی - اقتصادی به اندازه هر نیاز یا منفعت دیگری مهم است و اینکه اگر یک نظریه اخلاقی پیرامون کرامت و رفاه فردی، نیازهای یاد شده را به حساب نیاورد، نظریه‌ای آشکارا، ناقص است. مزیت رویکرد مزبور این است که به هیچ وجه برای حق‌های نسل اول تقدم (برتری) قائل نمی‌شود، هرچند ممکن است نگران شویم که با این حساب ادعاهای مبتنی بر حق زیاد می‌شود، ولی به هیچ روی روشن نیست که در این میان ادعاها مربوط به رفاه باید کنار گذارده شود. مرگ، بیماری، سوء تغذیه و در معرض خطرات طبیعی قرار گرفتن به اندازه هرگونه انکار آزادی‌های سیاسی و وجدانی موجب نگرانی است. عدم توجه به مشکلات مزبور، هنگامی که از بین بردن آنها ممکن است توهین آشکاری است به شرافت انسانی و قصوری است در جدی گرفتن ارزش بی‌قید و شرط هر انسان (۲۱).

می‌توان ادعا کرد نیاز و فقر شدیدی که افراد را تا مرحله تن‌فروشی از سر ناچاری و اضطراب وادار کند در تعارض با کرامت انسانی است. بنابراین در این تلقی ساده و عرفی از کرامت انسانی افراد باید از حداقل‌های معیشتی، بهداشتی و آموزشی برخوردار باشند. محرومیت آنها از این حداقل‌ها عموماً افراد را وادار به انجام اموری می‌نماید که وجدان اخلاقی انسان‌ها این اعمال را در تعارض با حیثیت انسانی می‌بیند. با این تحلیل، بهره‌مندی از حداقل‌های رفاهی در پیوند مستقیم با کرامت و حیثیت انسانی قرار می‌گیرد (۲۲).

رابطه بین نیازها و حق‌ها، رابطه پیچیده‌ای است، اما ما نباید اجازه دهیم این پیچیدگی‌ها مانع از این حقیقت بنیادین شود که یک کمیت معین از کالاهای مادی و غیرمادی برای رفاه انسانی حیاتی است. مادامی که درباره حق‌ها - با دغدغه مرتبط با آنچه برای رفاه افراد حیاتی است - تفکر شود، یک حداقل معینی از کالاهای اقتصادی و اجتماعی به‌عنوان گزینه مؤثر و قوی برای حق‌ها باقی می‌ماند (۲۲).

استدلال سوم، در توجیه حقوق نسل دوم این است که به جای اینکه حق‌های اقتصادی و اجتماعی را مبنای تکلیف به کمک اجباری قرار دهیم که بر مالکین واجب می‌شود، آن حق‌ها را برای به زیر سؤال کشیدن اصل ترتیبات موجود

مجلس دوم می‌تواند این نقش دولت را در تعیین دولت رفاه مشخص کند زیرا هرچه قدر مجلس قوی‌تر باشد می‌تواند در برابر تندروی‌ها و عدول دولت از مقررات قانونی بایستد. از آنجایی که تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و مسائل مالی مهم در نظام حکومت‌داری و نظام‌های دو مجلسی عموماً بر عهده مجلس دوم می‌باشد پس مجلس دوم می‌تواند به‌عنوان یک نهاد تأمین دولت رفاه را به بهترین نحو تضمین کند.

مداخله مجلس دوم در اقتصاد باید به‌عنوان یک نقش نظارتی تأمین‌کننده اهداف قانون اساسی و حقوق متعالی شهروندی باشد. در این رابطه نیز می‌توان از تخصص اشخاصی که در حوزه اقتصاد فعالیت می‌کنند در ترکیب مجلس دوم استفاده کرد تا دولت به تنهایی نتواند سمت و سوی حرکت اقتصادی را در دست گرفته و آن را تنظیم کند. پس در نهایت می‌توان گفت وجود مجلس دوم می‌تواند به غایت دولت رفاه کمک فراوانی کند.

۹- حفاظت از قانون اساسی در پرتو مجلس دوم

قانون‌گذاری مطلوب به‌عنوان ابزاری جهت تأمین حقوق بشر و نیازهای جوامع مردم‌سالار مطرح می‌شود به طوری که می‌توان تجلی اهمیت قانون‌گذاری را در عصر حاضر با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی یا ایجاد دموکراسی چند نژادی در آفریقای جنوبی و فراهم ساختن امکانات جدید برای نمایندگی منافع فلسطینیان مشاهده کرد (۲۳). به طوری که این رخدادها نیاز و ضرورت جوامع دنیای کنونی را به استقرار دموکراسی از طریق مجالس قانون‌گذاری مشخص می‌کند. از این‌رو هرچه به اهمیت مجالس قانون‌گذاری افزوده می‌شود به همان اندازه این نهادها به‌عنوان ابزاری جهت حمایت از قانون اساسی مطرح می‌شوند زیرا قانون اساسی هر کشور دربردارنده ضابطه مشروعیت و توجیه وجود حکومت حاکم می‌باشد. از طرف دیگر قانون اساسی و مجلس ارتباط متقابل دیگری نیز دارند به این صورت که مجلس حافظ قانون اساسی بوده و بر اساس کیان آن عمل می‌کند از جهتی دیگر قانون اساسی شیوه قانون‌گذاری و چارچوب آن را مشخص می‌کند. قانون اساسی از جمله قوانینی است که تصویب آن نیازمند سازوکار متفاوتی نسبت به دیگر قوانین دارد. در برخی شرایط

این حاکم یا سلطان است که اقدام به تصویب قانون اساسی می‌کند. در عمل نیز در برخی از کشورهای دموکراتیک دیده شده است که معمولاً مردم را مقام صالح دانسته و تدوین قانون اساسی را بر عهده آنها نهاده و بر اساس خواست و اراده آنها عمل می‌کنند. همچنین به شیوه سوم می‌توان به تصویب قانون اساسی اقدام کرد که در آن ابتدا مردم به انتخاب نمایندگان جهت تدوین قانون اساسی اقدام می‌کنند سپس به قانون اساسی نوشته شده، رأی می‌دهند. به عبارت دیگر تصویب قانون اساسی طی دو مرحله ابتدا با انتخاب نمایندگان مردم و سپس با رأی به تأیید یا رد قانون اساسی تدوین شده صورت می‌گیرد (۲۴).

حفاظت از قانون اساسی به‌عنوان یک ضرورت در حکومت جمهوری اسلامی پذیرفته شده است. در نظام حقوقی اسلام، مبنای مشروعیت قواعد حقوقی، اراده حکیمانه شارع است. با توجه به این رویکرد خداوند به‌عنوان شارع، قواعد مناسب حیات اجتماعی بشر را مقرر کرده است و انسان با فهم و اجرای این قواعد به سعادت دنیوی و اخروی می‌تواند دست یابد همچنین این مبنا قواعد وضع شده توسط شارع عادلانه بوده و ابعاد مختلف حیات را دربر می‌گیرد. از این‌رو، نظام حقوقی اسلام باید بر اساس احکام الهی بوده تا با آن مخالفت نداشته باشد. در این رابطه اصل چهارم قانون اساسی چنین می‌گوید: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. در این اصل به صراحت، انطباق و مستند بودن کلیه قوانین را به احکام اسلامی شرط اولیه قوانین می‌داند مرجع تشخیص این مهم را نیز بر عهده فقهای شورای نگهبان قرار داده است. همچنین در اصل هفتم و دوم، محدوده قانون‌گذاری مجلس را نیز معین می‌کند: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است. اگرچه در

قانون اساسی صلاحیت قانون‌گذاری مجلس در عموم مسائل کشور دانسته شده، اما قید حدود مقرر در قانون اساسی و اصول چهارم و هفتم و دوم محدوده آن کاملاً مشخص کرده است (۲۵).

۱۰- توجیه مجلس دوم در اهمیت و اعتلای قانون در زندگی اجتماعی شهروندان

نظارت حقوقی و سیاسی و ساختار حکومت ایران «جمهوری اسلامی» است و به همین دلیل «امور کشور باید به اتکای آراء عمومی اداره شود و بر اساس قانون اساسی حق حاکمیت ملی، یک حق خدادادی است که هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان، سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را به شیوه‌های معین در قانون اعمال می‌کند. براساس اصل ۵۷ به منظور تقسیم کار و توزیع قدرت، اداره امور در سه بخش تقنین، اجرا و قضاء به نحوی به نهادهای برخاسته از آراء مردم؛ یعنی مجلس شورای اسلامی، قوه مجریه و قوه قضاییه واگذار شده است. قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند؛ این قوا مستقل از یکدیگرند. در این بین، جایگاه ویژه قوه مقننه در بین سه قوه روشن است؛ زیرا قوه مقننه مقرراتی را وضع می‌کند که قوه مجریه، موظف به اجرای آن است و قوه قضاییه باید آن مقررات را مبنای صدور احکام خود قرار دهد. در حکومت‌های دموکراتیک، پارلمان مظهر حاکمیت ملی شناخته می‌شود. به همین جهت در جمهوری اسلامی ایران اعمال قوه مقننه جز در موارد خاص، به طور انحصاری از طریق مجلس شورای اسلامی است؛ چنان‌که در اصل ۵۸ آمده است: «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید برای اجرا به قوه مجریه و قضاییه ابلاغ می‌گردد. مجلس شورا، وظایف متعددی را دارد، اما مهم‌ترین نقش آن قانون‌گذاری است. لذا از آن به قوه مقننه تعبیر شده است، اما مسأله مهم، تعیین حدود اختیار مجلس در وضع قانون است. طبق اصل ۷۱: (مجلس

شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند). ظاهر واژه عموم مسائل، بیانگر صلاحیت عام مجلس در وضع قانون است. بنابراین، می‌تواند در هر موضوعی؛ اعم از فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... قانون وضع کند. این امر بیانگر صلاحیت عام مجلس در وضع قانون است، البته در این راستا محدودیت‌هایی وجود دارد. برای مثال در سیاست‌های کلی فرهنگی با وجود مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی به لحاظ تقدم حکم ولایی و نیز تفوق و نظارت رهبری بر همه قوا طبق اصل ۵۷، در مواردی که شورای عالی انقلاب فرهنگی، ورود پیدا کرد یا به حسب فرمان رهبری بر عهده اوست که ورود پیدا کند، مجلس حق ورود ندارد» (۲۶).

اهمیت قانون و قانون‌گذاری در زندگی اجتماعی مردم تا حدی است که واگذار کردن آن تنها به یک مجلس، مقرون به احتیاط نیست. این اهمیت از نیازهای اجتماعی سرمنشاء می‌گیرد به طوری که می‌توان گفت نیازهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جامعه ایران آن‌چنان وسیع و گسترده و تابع شرایط گوناگون زمان و مکان است که اصولاً نمی‌توان آن را از پیش به طور دقیق و مشخص تعیین نمود (۲۶).

با توجه به کارکردهایی که برای مجلس دوم در نظر گرفته شد و با عنایت به این نیازها، مجلس شورای اسلامی که از سوی مردم مأموریت دارد، مقام صالح برای شناخت نیازهای جامعه و تصویب قانون می‌باشد. با وجود تقسیم کار با مجلس دوم از عهده این امر بهتر بر خواهد آمد همان‌گونه که بیان گردید قانون در نظام سیاسی ایران از اهمیت بالایی برخوردار است و هر چقدر اهمیت یک مسأله‌ای بیشتر شود بالتبع تدابیر بیشتری برای اجرای درست آن در نظر گرفته می‌شود. و این مهم قطعاً و یقیناً با نظام دو مجلسی بیشتر نمود پیدا خواهد کرد در ادبیات سیاسی و حقوقی دولت مدرن در جهان معاصر، حقوق و امتیازات اتباع و شهروندان از جایگاهی ممتاز برخوردار است. نگاهی تاریخی به روند تحول و تطور حقوق شهروندی در جوامع بشری از دیرباز تاکنون و بررسی آموزه‌های مکاتب مختلف سیاسی و حقوقی و همچنین ادبیات

وجود مجلس دوم برای حمایت و پاسداری از قانون اساسی از جمله ضروریاتی است که وجود این نهاد را توجیه می‌کند. قانون اساسی به‌عنوان اصلی‌ترین قانون حاکمیتی برخی تعهدات و وظایف را برای حاکمان در برابر مردم تعیین می‌کند. این وظایف به قدری اهمیت دارد که سمت و سوی حکومت را به وسیله آن می‌توان جهت داد. وجود مجلس دوم به‌عنوان یک مرجع عالی در پاسداشت اجرای قانون اساسی مؤثر بوده و می‌تواند به‌عنوان یک ابزار نظارتی در این رابطه اقدام کند. این امر را می‌توان در ترکیب مجلس دوم نیز توجیه کرد که اشخاص حاضر در این مجلس نسبت به تحرکات سیاسی در جامعه می‌توانند اظهار نظر کرده و در تبیین مبانی آن عزم جدی به خرج دهند.

وجود مجلس دوم می‌تواند از دیکتاتوری اقلیت در برابر اکثریت جلوگیری کند زیرا در کشورهایی که به صورت تک مجلسی اداره می‌شوند، نهاد حاکمیتی به راحتی می‌تواند در بافت‌های مجلس قانون‌گذاری رسوخ کرده و سمت و سوی حرکت مجلس را به جهتی که خود ترجیح می‌دهد انحراف دهد. این در حالی است که وجود مجلس دوم و همراهی آن با قوای حاکمیتی امری سخت بوده و تحقق آن بسیار مشکل به نظر می‌رسد. از این رو مجلس دوم می‌تواند به‌عنوان یک ابزار در برابر دیکتاتوری اقلیت قد علم کرده و به تحقق دموکراسی و رعایت حقوق بشر و حقوق شهروندی کمک کند. نقش احزاب در رژیم‌های سیاسی بسیار پررنگ بوده و یکی از تجلی‌های دموکراسی می‌باشد. این امر در ترکیب مجلس قانون‌گذاری نیز تأثیر بسیار دارد. با توجه به نقش مجلس دوم و ترکیب اعضای آن می‌توان در برابر قدرت احزاب حاکم ایستاد و آن را به نوعی تعدیل کرد و یا به عبارت دیگر یکی از مهم‌ترین کارکردهای مجلس دوم، تعدیل قدرت احزاب می‌باشد. وجود حزب غالب در مجلس اول ممکن است منجر به تصویب قوانینی شود که برخی جهت‌های سیاسی در آن وجود داشته باشد و این مسأله در عمل به ضرر ملت تمام شود. از این رو نقش مجلس دوم می‌تواند این وضعیت را متعادل کرده و حتی در صورت وجود حزب غالب در مجلس اول کارکردهای آنها را کنترل کند. در برخی از کشورهای دارای

مذهبی، سیر تحول این مفهوم و شاخص‌ها و مؤلفه‌های جدید آن را در آموزه‌های حقوق سیاسی جدید، تا حدودی روشن و تبیین می‌نماید. که در نظام‌هایی که سابقه نظام دو مجلسی داشته‌اند اعتلای قانون در زندگی اجتماعی شهروندان بیشتر به چشم می‌خورد ظهور قوانین اساسی کشورهای غربی که دست آورد مهم تحدید قدرت سیاسی و برچیده شدن یا کم‌رنگ شدن نظام‌های سیاسی خودکامه است نقطه عطف مهمی در نهادینه کردن و به رسمیت شناختن حقوق و امتیازات شهروندی است. که از نظام تک مجلسی فاصله گرفته و به سمت نظام دو مجلسی سوق داده شده‌اند (۲۷).

نتیجه‌گیری

از مجموع بررسی‌های صورت‌گرفته در این تحقیق، نتایج زیر حاصل گشت.

وجود مجلس دوم برای ارتقا کیفیت قانونینی که منافع فردی و اجتماعی شهروندان را پیش‌بینی نماید و همچنین حقوق شهروندی را به صورت جامه پوشش دهد لازم و ضروری است. ترکیب دو مجلس که یکی عموماً بر مبنای انتخاب بوده و دیگری بر اساس انتخاب، انتصاب یا موروثی می‌باشد می‌تواند وجود تجربه را در امر قانون‌گذاری جلوه‌گر شود که در نهایت این مسأله می‌تواند به ارتقاء کیفیت قانون‌گذاری منجر شود و در نهایت حقوق شهروندان را تضمین می‌نماید. در واقع وجود مجلس دوم جهت استقرار حاکمیت قانون لازم و ضروری می‌باشد به طوری که می‌توان گفت مجلس دوم به منزله عقل و تدبیر کشور بوده و مجلس نمایندگان مظهر اراده و آمال ملی می‌باشد. از این رو نظام قانون‌گذاری با تائی از این دو جلوه دموکراسی می‌تواند به استقرار حاکمیت قانون کمک کند، هرچند این ویژگی مجلس اول و دوم می‌تواند تأمین‌کننده حقوق اکثریت مردم در راستای اهداف دموکراسی نیز باشد به همین علت حاکمیت قانونی که همگان به آن پایبند بوده و اختلافات کمتری در عمل جهت الزام به آن وجود داشته باشد یکی از ویژگی‌های تجلی برخورد عقل و تدبیر در برابر اراده و عزم ملی است.

نظام دو مجلسی، مجلس دوم به‌عنوان یک دادگاه عالی بر رفتارهای مختلف سیاسی نظارت دارد حتی در تصمیم‌گیری‌های مهم سیاسی که امنیت ملی ممکن است به مخاطره بیفتد این مجلس اظهارنظر کرده و نسبت به وضعیت موجود تصمیم‌گیری‌های مهم نقش مؤثرتری ایفا می‌کند. از این‌رو نیاز به یک مرجع عالی که به‌عنوان یک دادگاه برخی فعالیت‌های مقامات را زیر نظر داشته باشد، می‌تواند در تحقق دموکراسی کمک فراوانی کند.

دولت - کشور ایران دارای نظام تک مجلسی است و بنا به ساختار حکومتی به نظر می‌رسد شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌تواند برخی کارکردهای مجلس دوم را داشته باشد. این در حالی است که از بررسی‌های صورت‌گرفته این نتیجه حاصل شد که شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام به‌عنوان یک نهاد نظارتی در نظام قانون‌گذاری ایفای وظیفه کرده و در شرایط بحرانی به حل اختلاف کمک می‌کنند. با وجود این بسیاری از کارکردهای مجلس دوم در نظام حقوقی ایران توسط هیچ نهادی انجام نمی‌شود، هرچند در مذاکرات قانون اساسی سال ۵۸ به نظر می‌رسید که شورای عالی استان‌ها بتواند نقش مجلس دوم را ایفا کند، اما در عمل و در طول زمان مشخص شد که این امر امکان‌پذیر نمی‌باشد از طرف دیگر وجود تورم قوانین و چالش‌های قانون‌گذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران موجب گشته است که ضرورت وجود مجلس دوم بیش از پیش احساس شود. پیچیدگی‌های قانون‌گذاری و تورم قوانین عملاً حجم کار مجلس شورای اسلامی را تا حدی افزایش داده است که بسیاری از قانونگذاری‌ها با کندی انجام می‌گیرد. از طرف دیگر وظایف قانون‌گذاری را مجلس شورای اسلامی به تنهایی نمی‌تواند پوشش داده و آن را مدیریت کند که این امر نتیجه مستقیم تورم قوانین و چالش‌های قانون‌گذاری می‌باشد. از این‌رو ضرورت وجود مجلس دوم در نظام سیاسی ایران احساس می‌شود.

References

1. Moein, M, Moein Persian Culture, Amirkabir Publications, Vol. 1, sixth edition, 2013, 1122. [Persian]
2. Ansari, M, Taheri, Mohammad Ali, Encyclopedia of Private Law, Jangal Publications, Third Edition, 2009, 732. [Persian]
3. Alizadeh, Z, Constitutional Law, Ferdows Publications, First Edition, 2015, 71. [Persian]
4. Jafari Langroudi, M. J, Legal Terminology, Ganj-e-Danesh Publications, 15th Edition, 2018, 125. [Persian]
5. Emami, M; Mousavi, S. N, An Introduction to the Foundations of Fundamental Rights and Political Systems, Mizan Publications, First Edition, 2019, 134. [Persian]
6. Jalali, R, Guide to Legislative Needs Analysis, Publications of the Research Center of the Islamic Consultative Assembly, First Edition, 2008, 79. [Persian]
7. Bushehri, J, Comparative Constitutional Law, Publications of Publishing Company, Volume 3, Second Edition, 2011, 89. [Persian]
8. Dadfar, H, Parliament, Information Publications, first edition, 1964, 45-46. [Persian]
9. Tabatabai, S. J, An Introduction to the Theory of Iran's Decline, Negah Moaser Publications, Vol. 1, Fourth Edition, 2012, 115. [Persian]
10. Darabi, sh, Political Developments in Britain, translated by Fereydoun Zandfar, Islamic Revolution Education Publications, 2015, 36. [Persian]
11. Ansari Dezfuli, M, The role of the parliament in both parliamentary and presidential systems, Political-Economic Journal, No. 285, 2011, 109. [Persian]
12. Vakilian, H, Functions of the second parliaments in new democracies, speeches in law and legislation (collection of articles), Parliamentary Research Center Publications, first edition, 2011, 241. [Persian]
13. Donnelly, J, International Human Rights, London: westview press, 1999, 49-84.
14. Sharifi Tarazkoohi, Hossein, Human Rights (Values and Facts), Mizan Publications, First Edition, 2009, 364. [Persian]
15. Zibakalam, S and Moqtadaei, M, Political Parties and Its Role in Iran's Political Development: A Case Study of Elections, Political Science Quarterly, Volume 10, Number 29, 2014, 7-28. [Persian]
16. Reidy, A & Russell, M, House of lords in defense of human rights? Constitution unit, school of public policy, 1999, 13.
17. Ranjbar, A, Iranian Senate, Islamic Revolution Documentation Center, First Edition, 2004, 88. [Persian]
18. Mathew, C. R. Craven, the international covenant on Economic, social and cultural Rights, Clarendon press, Oxford, 2014, 302.
19. Hemmati, M, Principles, nature and content of economic, social and cultural rights and citizenship rights and the relationship between them, PhD thesis in Public Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, 2010, 27. [Persian]
20. Osborne, I, et al, Economic, Social and Cultural Law, translated by Ardeshir Amir Arjomand et al., First Edition, Majd Publications, 2010, 35-36.
21. Waldron, J, Philosophy of Right, in: Rasekh, Mohammad, Right and Expediency, First Edition, New Plan Publications, 2002, 170-171.
22. Qari, Seyed Fatemi, S, M, Human Rights in the Contemporary World, Second Book, Analytical Essays on Rights and Freedoms, First Edition, Shahr-e-Danesh Institute for Legal Studies and Research, 2009, 266. [Persian]
23. Georgian Azandariani, A. A, Asadi Nejad Jamali, Mohammad, Second Legislative Assembly, Qalam Publishing, First Edition, 2015, 20. [Persian]
24. Shabani, Qa, Fundamental Rights and Structure of the Government of the Islamic Republic of Iran, Information Publications, 41st Edition, 2011, 31. [Persian]
25. Aslani, F; Kazemini, S. M. H, The Concept of Rule of Law and Its Understanding with Emphasis on the Constitution of the Islamic Republic of Iran, Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies, Year 8, Issue 26, Fall 2011, 280-279. [Persian]
26. Hosseini, S. I, Restrictions of the Islamic Consultative Assembly in Legislation, Journal of Jurisprudence and Principles: Islamic Government, Year 17, No. 66, Winter 2012, 164-165. [Persian]
27. Ahmadi Tabatabai, S, M, R, Citizenship Rights with Emphasis on the Constitution of the Islamic Republic of Iran, Quarterly Journal of the Islamic Revolution Approach, Year 3, Issue 8, 2009. 3-18. [Persian]